

میراث دموکراسی در میان احزاب عربی



- الديمقراطية داخل الأحزاب في البلدان العربية

- مجموعة المؤلفين

- مركز دراسات الوحدة العربية

- ٢٠٠٤

محمد ولدالمنی

ترجمة على عليمحمدي

ailar_alimohammadi@yahoo.com

این پدیده به نحو بارزتری «در نزاعهای درونی حزب کمونیست سوریه» ظاهر شد، که یکی از پژوهشهای کتاب به همین اختلافات تشکیلاتی عمیق در داخل این حزب می‌پردازد و گسترش نزاع درونی حزب به رده‌های بالاتر و برخی عملکردهای این حزب را تشریح می‌کند تا به این نتیجه برسد که «تمرکزگرایی دموکراتیک» که «حزب کمونیست سوریه» تجربه منحصراً به فردی از این نظر داشت، ابزاری مناسب برای حفظ فضای سطحی، کم مایه و راکد حزبی شد. همچنین زمینه مناسبی را برای بقای رهبری ناتوان و تقدیس رکودی که مانعی برای درگیریهای داخلی نبود، مهیا کرد.

مقاله «دموکراسی در حزب «الثوری - الجماهیری» (انقلابی - مردمی)» تجربه یمن جنوبی را به عنوان نمونه‌ای انعطاف‌ناپذیر در جهان عرب عرضه می‌کند؛ به طوری که گروههای مارکسیستی به صورتی فاجعه‌آمیز اقدام به حذف یکدیگر کردند که بسیار شبیه حوادث رمان الاخوة الاعداء (برادران متخاصم) است. حزب «بعث» عراق نیز چنین وضعی را تجربه کرد و حاصلی جز نزاع و درگیری میان رهبران آن در پی نداشت. چنانچه به حذف نیمی از رهبران و دهها نفر از نیروهای کادر حزب بعث عراق در زمان برگزاری کنفرانس چهارم انجامید. از جمله دلایلی که سبب حذف این افراد شد، دیدگاههای مغایر با حزب، مواضع متفاوت در قبال جنگ ایران و عراق و شیوه‌های مبارزه، چگونگی عقد پیمانها، اجرای امور تشکیلاتی و حساب‌سازیهایی مالی بود. به همین ترتیب «حزب الدعوة الاسلامی» نیز از این پس به شش حزب تقسیم شد و از کادر رهبری آن جز افراد معدودی باقی نماند. در احزاب ملی‌گرای عراق نیز اختلافات داخلی حزبی حکمفرما بود و در این احزاب تنها نام دبیر کل باقی مانده بود.

اثر حاضر با یادآوری این نمونه‌ها بر این نکته تأکید می‌کند که فضای ظلم و استبداد حاکم در کشورهای عربی، بسیاری از جنبشها را وامی‌داشت که به صورت سری و زیرزمینی فعالیت کنند، این مسئله به حضور رهبران نالایق و

چنانکه از عنوان اثر برمی‌آید کتاب حاضر تلاش دارد به تبیین چگونگی فعالیت، تصمیم‌گیری، صدور قطعنامه و سطح روابط حزبی در احزاب کشورهای عربی بپردازد. این بررسی اغلب الگوها و روشهای حیات حزبی‌ای را که کشورهای عربی از اواسط قرن بیستم شناخته و تجربه کرده‌اند، در برمی‌گیرد. کتاب شامل سیزده پژوهش از پژوهشگرانی متخصص است و به مطالعه احزاب در مصر، مغرب، اردن، الجزایر، یمن، سوریه، عراق، تاریخچه نهادهای حزبی، موانع اجرای دموکراسی و فعالیت درون حزبی و روابط احزاب با حکومت اختصاص یافته است.

در پژوهش انتقادی درباره «چگونگی اجرای دموکراسی در جنبش ملی‌گرایان عرب» که در اوایل دهه پنجاه قرن بیستم پایه‌گذاری شد، روشن می‌شود که این جنبش از زمان تأسیس خود، اولویت را بر تحقق وحدت ملی، رهایی از استعمار و بازپس‌گیری فلسطین بنا گذاشته و موضوع دموکراسی را در اولویتهای بعدی قرار داده بود. این جنبش در دهه پنجاه قربانی شدن دموکراسی نسبی سوریه را به دلیل وحدت این کشور با مصر پذیرفت. با عدم تحقق وحدت سوریه و مصر، این جنبش در موضع خود تجدید نظر کرد، اما به دلیل ناکامی در ایجاد وحدت سه جانبه در سال ۱۹۶۳ م. مجدداً به تکثرگرایی سیاسی روی آورد. پس از آن، جنبش ملی‌گرایان به دنبال شکست ژوئن ۱۹۶۷ م. و بعد از گرایش به چپ افراطی، برای امکان گردهمایی طبقه کارگر و هم‌پیمانانش در سازمانی انقلابی خواستار گسترش دموکراسی شد.

به طور کلی جنبش ملی‌گرایان عرب اهداف خود را از طریق فعالیت‌های انقلابی جست‌وجو می‌کرد نه دموکراسی و برگزاری انتخابات. بنابراین نمی‌توان گفت که این جنبش از درون دموکرات بود یا در انتخاب رهبران، تصمیم‌گیریها و قانونگذاری بر نظام رأی‌گیری متکی بود، بلکه انشعابهایی داخلی آن - که بعدها عامل انحلال آن گردید - نشان داد که «جنبش ملی‌گرایان عرب» نیازمند ابزارهای دموکراسی و گسترش آزادی بوده است.



مركز دراسات الوحدة العربية

مركز بحوث الشرق العربي (3)

الديمقراطية والتنمية الديمقراطية
في الوطن العربي

مجموعة من المؤلفين

مركز دراسات الوحدة العربية

٣٩٥ صفحة، ٢٠٠٤

«مركز دراسات الوحدة العربية» از مراکز پیشرو مطالعاتی و پژوهشی عربی است که موضوع دموکراسی را از جمله اولویتهای پژوهشی - علمی خود در پروژه نهضت نوین عربی قرار داده است. الديمقراطية والتنمية الديمقراطية في الوطن العربي (دموکراسی و توسعه دموکراتیک در جهان عرب) از آثار پژوهشی این مرکز است که مسئله دموکراسی را از نظر تئوری و تجربه سیاسی در جهان عرب به قلم گروهی از پژوهشگران بررسی می کند.

کتاب در دو بخش سامان یافته است؛ در بخش نخست مفهوم دموکراسی در اندیشه نوین و معاصر عربی و عناصر مرتبط با آن چون شهروندی و لیبرالیسم بیان و تحلیل می شود. در این بخش همچنین به اختصار معضلات و چالشهای فرآیند ایجاد دیدگاه دموکراسی در تاریخ معاصر عرب بررسی می گردد. مقالات این بخش از این قرارند: «میراث عربی و دموکراسی: اندیشه ها و خط مشیها»: ایلبا حریق؛ «معضل اعراض از دموکراسی در جهان عرب»: عبدالنور بن عنتر؛ «مفهوم شهروندی در دولت دموکراتیک»: علی خلیفه الکوارى؛ «مفهوم دموکراسی در گفتمان ناصری»: جمال الشلبی؛ «مبانی فکری دموکراسی لیبرالیستی در عراق جدید»: عامر حسن فیاض.

در بخش دوم کتاب تجربه های جهان عرب در عرصه توسعه دموکراسی و موانع، بازدارنده ها و یا تردیدها و بی رغبتی هایی که در روند تحقق آن ایجاد شده بررسی شده است. این بخش نیز حاوی این مقالات است: «تأملی در شکل گیری فضای جدید سیاسی مغرب: تلاشی در طبقه بندی دوره ها»: عبدالاله بلقریز؛ «مطالعه ای درباره رابطه جهان عرب با جامعه سیاسی، نمونه تونس (١٩٥٧-١٩٨٧)»: سالم لیبوس؛ «تجربه دموکراسی در اردن: ریشه ها، واقعیتها، چالشها و چشم اندازها»: محمد کنوش الشریعة؛ «تحولات دموکراتیک در منطقه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس»: ابتسام الکتبی؛ «دموکراسی و لیبرالیسم در فعالیت سیاسی دولت قطر»: فتحی العیفی، و «باز شدن فضای سیاسی کنونی موریتانی: مطالعه ای مقدماتی»

این کتاب در صدد پاسخگویی به نیاز فکری سترگی چون تحلیل عملی و مملوس شکل گیری حیات دموکراسی و موانع پیش روی آن است که از سطح کلی گوییها و کلی نگریها و نتیجه گیریهایی که مبتنی بر مطالعات و پژوهشهای عینی نیست، می گذرد تا از طریق پژوهشهای تخصصی به این نیاز پاسخ دهد.

علی علیمحمدی

دیکتاتور و رشد فضای غیردموکراتیک در درون این احزاب منتهی شد.

پژوهش دیگری واقعیت «دموکراسی درون حزبی، نمونه کشور مغرب» را بررسی می کند. اولین حزب مغربی در سال ١٩٣٧ م. با نام «الحزب الوطنی» (حزب ملی) اعلام وجود کرد که چند سال بعد یعنی در ١٩٤٣ م. به «حزب الاستقلال» تغییر نام داد. با این تحولات، انسجام و پویایی نخبگان ملی گرا که مبارزه ضد استعماری آنها را با هم در یک صف قرار داده بود، از بین رفت. از پیامدهای این امر، اولین انشعاب حزبی و تولد حزب «الاتحاد الوطنی للقوات الشعبیه» (اتحاد ملی نیروهای مردمی) در سال ١٩٥٩ م. بود که در سال ١٩٧٥ م. به «الاتحاد الاشتراکی للقوات الشعبیه» (اتحاد سوسیالیستی نیروهای مردمی) مبدل شد. همچنانکه نخستین انشعاب مقدمه ای شد برای انشعابهای درون حزبی دیگر که توان احزاب را در مقابل پادشاهی مغرب تضعیف کرد. به گونه ای که تأثیر مجموعه این انشعابها در شکست مهم ترین عناصر چپ اصلاح گر مغرب در حفظ وحدت تشکیلاتی شان کاملاً محسوس بود.

«احزاب سیاسی در الجزائر و تجربه دموکراسی» عنوان پژوهش دیگری است که به بحث درباره تجربه های احزاب سیاسی الجزائر و موضوع دموکراسی در این کشور می پردازد. در این پژوهش آمده است که احزاب الجزایر به لحاظ مواضع و دیدگاههای دموکراتیک ضعف عمده ای داشتند و در نتیجه تجربه تکثرگرایی سیاسی به جمود غیرقانع کننده ای منتهی شد. «حزب جبهه التحرير الوطنی» (حزب جبهه آزادیبخش ملی) که مبارزات استقلال طلبانه را رهبری می کرد، در ایجاد فضای آزاد سیاسی ناکام ماند و رهبران نظامی الجزایر عرصه سیاسی این کشور را منحصرأ در دست گرفتند و احزاب و دولت تحت سلطه نظامیان درآمدند. پس از آن، با برگزاری اولین انتخابات آزاد و همه جانبه در سالهای ١٩٩١ و ١٩٩٢، به سرعت بزرگترین بحران بروز کرد.

در مقاله دیگری درباره حزب حاکم در مصر یعنی «حزب ملی دموکراتیک» (الحزب الوطنی الديمقراطية) موانع اجرای دموکراسی درون احزاب این کشور بررسی می شود. محوریت رئیس و رهبری، عدم اشاعه ارزش دموکراسی و آموزش نقد، محدودیت مشارکت در تصمیم گیری و قانون گذاری، فقدان تحولات جدی در سطح رهبری و عدم برگزاری انتخابات سراسری از جمله عواملی است که تحلیل می شود.

در مقاله دیگری درباره «حزب جبهه العمل الاسلامی» اردن، مجموعه عوامل «توانایی دهنده به این حزب برای همسویی با دموکراسی» بررسی می شود. از جمله این عوامل، روابط تاریخی مثبت میان گروههای تشکیل دهنده حزب و نظام حاکم اردن، جایگاه ارزشی عدالت در باورهای این حزب و تأکید مداوم آنان بر اصل تفکیک قوا در نظام تشکیلاتی این حزب است.

مقاله پایانی به بحث درباره تحولات بنیادی و دموکراتیک در سه حزب یمنی اختصاص دارد که این احزاب عبارتند از: «المؤتمر الشعبی العام» (کنفرانس عمومی مردمی)، «الحزب الاشتراکی الیمنی» (حزب سوسیالیستی یمن) و «التجمع الیمنی للاصلاح»، (جامعه اصلاح طلبان یمن). نویسنده در این مقاله معتقد است که ساختار تشکیلاتی این احزاب براساس الگو و ضابطه معنی بنا نشد که این مسئله یکی از شاخصه های منفی برای تمرین دموکراسی از درون است. این احزاب همچنان - اگر چه به نسبت متفاوت - بر میراث کلی ای گره خورده اند که به مثابه مانعی در نیل به دموکراسی درونی و عمیق قلمداد می شود! و چه بسا این موضوع، درباره احزاب عربی دیگر نیز صادق باشد.

منبع:

www.wajhat.com / 2004/10/22